

## تحلیل و بررسی تطبیقی نقش نماد و نگاره‌های حماسی در نمایشنامه‌های استاد بهرام بیضایی

نوید دهقانی<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه پیام نور، تهران غرب، ایران.

### چکیده

استاد بهرام بیضایی مدرس، مؤلف و کارگردان نامدار و صاحب سبک ایرانی است و فعالیت‌های بی‌همتا و درخشان ایشان در زمینه کارگردانی و تدوین آثار سینمایی، نگارش و به روی صحنه بردن نمایشنامه‌ها در عرصه تئاتر که با وجود مهاجرت چندین ساله ایشان از وطن، همچنان در لیست آثار برجسته و فاخر حوزه ادبیات هنری و نمایشی به شمار می‌روند. استاد بیضایی بی تردید از جمله هنرمندانی است که عبارت «کارنامه زرین و پر بار هنری» به معنای واقعی کلمه، درباره ایشان صدق می‌کند. هشت دهه از عمر گرانبمایه استاد گذشته که غالب آن صرف تحقیق، پژوهش و نگارش گشته و همچنان فعالیت‌هایشان در زمینه پژوهش‌های هنری ادامه دارد؛ معرفی و بررسی کامل و دقیق تمامی فعالیت‌های هنری و ادبی آثار ایشان در این مجال نخواهد گنجید. آنچه در این مقاله سعی نموده‌ام به آن پردازم، نگاهی اجمالی به اغلب نمایشنامه‌های شاخص و چند کلامی در خصوص ویژگی‌ها و نوع نگاه موشکافانه ایشان به مقوله‌های هنر، تاریخ و مذهب است. تم و درون‌مایه‌های آثار استاد بهرام بیضایی از تنوع خاصی برخوردار است. ایشان در خلق داستان و نگارش‌های خود، تکنیک‌ها و تحلیل‌های ادبی گوناگونی عرضه می‌دارند که در نوشتار فوق، ضمن بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی‌های داستانی، به این عناصر و تکنیک‌ها در شیوه روایت داستان و خلق نوع شخصیت‌ها پرداخته می‌شود. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی، بدین صورت که ابتدا **موضوع** یا تم مورد استناد و ارائه استاد بیضایی در نمایشنامه‌ها بیان گردیده و سپس ذیل هر یک از آثار، نقد و تحلیل‌های مختصری تحریر می‌گردد. **همان‌طور که بیان شد، موضوعات** موردعلاقه و پرداخته شده توسط استاد بهرام بیضایی عموماً شامل **موضوعات** ملی (میهنی)، تاریخی و مذهبی است. ایشان در اکثر آثارش فضاهای بکر و منحصر به فردی را به منصه ظهور می‌گذارند، همچنین به خلق، ارائه و نمایش **موضوعات** اجتماعی اقبال بیشتری نشان داده و آثار بدیع و شاخصی در این حوزه‌ها آفریده‌اند. استاد برای طرح مضامین اجتماعی، از شگردهای هنری متفاوتی چون «افسانه‌سرایی و خلق اسطوره‌ها»، «اقتباس از متون شاخص» و «نگاره و نماد» استفاده تام و تمام نموده‌اند.

**واژگان کلیدی:** بهرام بیضایی، مؤلف، هنر، کارگردان، داستان نویسی، نمایشنامه.

<sup>۱</sup>. [Navid\\_dehghani\\_damavand@yahoo.com](mailto:Navid_dehghani_damavand@yahoo.com)

## مقدمه

علمی‌ترین و اصولی‌ترین و مرجع‌ترین کتاب قابل استناد درباره تاریخچه نمایش در ایران شد و در حال حاضر نیز در بسیاری از دانشگاه‌ها به دانشجویان تدریس یا توصیه می‌شود.

## صحنه؛ اجرای تئاتر و بهرام بیضایی

بهرام بیضایی یکی از معدود هنرمندان ایرانی است که هم در صحنه تئاتر کارنامه‌ای درخشان دارد و هم در سینما. در عین حال او همیشه به پژوهش در زمینه تئاتر هم علاقه داشته و در سال‌های دهه ۱۳۴۰ کتاب‌هایی را درباره تئاتر در چین، ژاپن و ایران منتشر کرده که هنوز هم منبع درسی دانشجویان تئاتر محسوب می‌شود. بهرام بیضایی نوشتن نقد، تحقیق و مطالب پراکنده درباره تئاتر و سینما در نشریات علم و زندگی، هنر و سینما، گاهنامه آرش، مجله موسیقی، کیهان ماه، ماهنامه ستاره سینما، کتاب چراغ و... را در سال ۱۳۳۸ آغاز کرد. او از سال ۱۳۴۰ به صورت جدی به نوشتن نمایشنامه پرداخت و در سال ۱۳۴۵ اولین نمایش خود را کارگردانی کرد. او به همراه اکبر رادی و غلامحسین ساعدی پایه‌گذاران موج نوی نمایشنامه‌نویسی ایران هستند. اجراهای صحنه‌ای او اغلب از تئاترهای پرمخاطب بوده‌اند.

## انواع موضوعات داستانی در آثار ادبی بهرام بیضایی

### موضوعات ملی

بسیاری از آثار بیضایی موضوعاتی ملی دارند. او در نگارش این آثار، از اسطوره‌های سرزمینش بهره فراوان و می‌برد. بیضایی در آثاری چون *اژدهاک*، *آرش*، *کارنامه بندار بیدخش*، *شب هزارویکم*، *سیاوش خوانی* و *سهراب‌کشی* به شکل صریح از موضوعی ملی - اسطوره‌ای استفاده می‌کند. او به اشکال گوناگون و با هنرمندی تمام، سعی در بازگویی اساطیر کهن ایرانی دارد و در این زمینه، خود نیز دست به اسطوره‌آفرینی می‌زند، گاهی نیز خوانشی جدید از اسطوره‌های کهن ارائه می‌دهد.

بیضایی این روایت‌های ملی - اسطوره‌ای را طی یک بازآفرینی یا بازنویسی ساده به نگارش درنمی‌آورد؛ بلکه با شگردهای خاص خود که از ویژگی‌های سبکی او محسوب می‌شود، آن‌ها را برای صحنه نمایش آماده می‌کند. معمولاً بازآفرینی‌های وی در دو سطح کلی «تغییر در چهارچوب» و «تغییر در خویش‌کاری‌های شخصیت‌ها» انجام می‌شود. بازنویسی آثار او نیز به چند شیوه صورت می‌گیرد؛ از جمله: «افزودن گفت‌وگو بین شخصیت‌ها»، «برقراری روابط علی و معلولی» و «تغییر در شیوه روایتگری». برخوانی *اژدهاک* بیضایی، بازآفرینی از اسطوره مزدیسنايي ضحاک ماردوش است. این اسطوره به‌طور کلی تغییر می‌یابد و فقط رگه‌هایی از داستان اولیه در آن حضور می‌یابد. در واقع، بیضایی خوانشی دیگرگونه و متفاوت از این داستان ارائه می‌دهد (بهرام بیضایی، ۱۳۹۱).

استاد بهرام بیضایی دانشجوی انصرافی از رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران است. پس از آن هیچ‌وقت در بستر رسمی دانشگاه (حداقل تا قبل از مهاجرت به آمریکا) درسش را ادامه نداد. در سال‌های بعد در اداره کل ثبت اسناد و املاک در شهرستان دماوند استخدام شد. حضور او در دماوند باعث شد به تماشای تعزیه‌هایی در شهر گیلان بنشیند و آشنایی فضای ذهنی او با این سبک از نمایش سنتی، مطالعه و قلم توانا دست‌به‌دست هم دادند تا ایشان اتفاقات مطالعاتی و پژوهشی خوبی را در این زمینه رقم بزند. سرانجام نتیجه مطالعات گسترده او در سال ۱۳۴۱، در مجله موسیقی منتشر شد و این تازه آغاز مسیر حرفه‌ای او در نوشتن بود. بیضایی در همین سال کارمند اداره تئاتر نیز بود و هربار یک قدم به آنچه از خود انتظار داشت، نزدیک‌تر می‌شد.

بهرام بیضایی آثار ادبی خود را در سه ژانر نمایشنامه، فیلمنامه و برخوانی ارائه کرده است. نوع دیگر نمایشی که رایج نیست؛ اما موردنظر این پژوهش و البته بهرام بیضایی است، «برخوانی» است؛ برخوانی، یک نوع روایت نمایشی است. اصولاً در برخوانی این شخصیت نیست که سخن می‌گوید؛ بلکه همیشه راوی (نقال) روایت را با صدای بلند برمی‌خواند.

## شیوه نویسنده‌گی بهرام بیضایی

بیضایی به گفته خود از سر نومیدی و ناچاری به نوشتن روی آورد؛ اما از آنجاکه «در نومیدی بسی امید است»، به معبد آمال بسیاری از نویسندگان عصر خود و بعد از خود تبدیل شد. او البته سبقه خانوادگی عریض و طولی را در این راه، پشت سر خود می‌دید؛ اما راه متفاوتی نسبت به شاعرانگی دکایی بیضایی و سخن‌سرایی دیگر نیاکان خود برگزید و با تأکید بر عنصر نمایش و بیان در تعزیه، نوع جدیدی از بازآفرینی را محور خلق آثار خود قرار داد که از شیوه‌های حماسی و روایی تعزیه، نمایش‌های کمیک یا خنده‌آور ایرانی مانند روحوسی و همچنین داستان‌های عامیانه بهره می‌برد. یکی از مهم‌ترین آثار پژوهشی بهرام بیضایی، کتاب *ارزشمند نمایش در ایران* است. این کتاب که به قصد کتاب شدن تألیف نشده است - در اوان جوانی بیضایی؛ یعنی همان دوران دانشجویی نیمه‌کاره‌اش، نوشته شده است - در واقع باید گفت تاریخ نمایش در ایران باعث جدایی و انصراف بهرام بیضایی از دانشگاه و ادامه تحصیل است؛ چراکه این، همان موضوعی است که قرار بود پایان‌نامه‌اش را شکل دهد که با تمسخر مدیرگروه وقت هنر مبنی بر عدم وجود ریشه‌های نمایش و تاریخ آن در ایران روبه‌رو می‌گردد و همین کم‌سوادی و بی‌خردی باعث می‌شود تا بیضایی قید درس و دانشگاه را زده و خود با اتکا به نبوغ و هوش ذاتی‌اش که آمیخته با پشتکار فراوان و روحیه خستگی‌ناپذیرش است، پیش برود. سال‌ها بعد این کتاب، کتابی شد درخور تأمل و تبدیل به جدی‌ترین و



در تمام آثار بهرام بیضایی می‌توان ردپای اسطوره‌ها را دنبال کرد. این تأثیر در نوشته‌های نمایشی او برجسته‌تر است و اغلب این آثار به‌طور مشخص از همان عنوان کار، ارتباط خود با گذشته را نمایان می‌کنند. از ویژگی‌های سبکی بیضایی، استفاده از اسطوره است. او در روایت داستان‌هایش، از اسطوره به شکل موقعیت‌های اساطیری، صورت‌های ازلی و تصویرهای نمادی و رمزی بهره می‌برد. (وهایی و همکاران، ۱۳۹۶).

برخوانی ازدهاک بیضایی، بازآفرینی از اسطوره مزدیسنايي ضحاک ماردوش است. این اسطوره به‌طور کلی تغییر می‌یابد و فقط رگه‌هایی از داستان اولیه در آن حضور می‌یابد (ر.ک. بیضایی، ۱۳۹۱).

نمایشنامه شب هزارویکم شامل سه اپیزود مستقل است؛ اپیزود اول، یعنی «شب هزارویکم» خوانش جدیدی از داستان ضحاک است. محتوا و چهارچوب روایت، با نمونه اسطوره‌ای آن همخوانی دارد؛ ولی در پرداخت کاملاً متفاوت می‌شود؛ به عبارتی، بیضایی این اسطوره را از نظرگاهی دیگر بازسازی کرده و پس از درآمیختن آن با داستان هزارویکم شب به‌صورت داستانی نو ارائه داده است (ر. ک. بیضایی، ۱۳۹۲).

نمایشنامه سهراب‌کشی بازنویسی از رزم‌نامه «سهراب و رستم» است. بیضایی داستان را از شاهنامه اقتباس کرده است و با افزودن گفت‌وگوهای بیشتر بین شخصیت‌ها و همچنین برقراری رابطه علی و معلولی که به منطقی‌تر شدن پی رنگ داستان منجر می‌شود، این نمایش‌نامه را بازنویسی کرده است (ر.ک. بیضایی، ۱۳۹۲).

نمایش‌نامه مجلس قربانی سنمار، بازنویسی ای هنرمندانه از بخشی از روایت هفت پیکر نظامی گنجه‌ای است. بیضایی این داستان کوتاه و ساده را با مهارت تمام و با روایتی دلنشین، به شکل نمایشنامه‌ای کامل بازنویسی می‌کند و آن را به صحنه اجرا می‌برد. در حقیقت، چهارچوب داستان تغییر چندانی نمی‌یابد؛ بلکه بیضایی با استفاده از تکنیک‌های خاص خود، یعنی تغییر در شیوه روایتگری متن را جذاب و هنرمندانه بازنویسی می‌کند.

### موضوعات اجتماعی

یکی از دغدغه‌های بیضایی، طرح مسائل اجتماعی زمانه خویش است. او به موضوعات بسیاری چون مسائل زنان، کودکان و طبقات عوام و فرودست جامعه توجه نشان می‌دهد و آثاری را در این حوزه‌ها می‌آفریند؛ البته بهرام بیضایی روشی یکسان برای طرح مضامین مورد نظرش ندارد. او گاهی به‌طور صریح موضوعی اجتماعی را بیان می‌کند و گاهی نیز مضمون مورد نظر را با استفاده از شگردهای هنری خاص خود که از ویژگی‌های سبکی وی محسوب می‌شوند، مطرح می‌سازد. چند عنصر اساسی همواره در آثار بیضایی مطرح هستند که تحلیل آن‌ها نگرش وی را به جامعه روشن می‌کند. این عناصر اساسی عبارتند از بیگانه، زن، هویت، سنت، مدرنیته و در نهایت جامعه.

### مسائل زنان

بهرام بیضایی در آثار داستانی خود، مسائل اجتماعی را که مغفول مانده و کمتر به آن‌ها توجه شده است، پیگیری می‌کند. زن و حواشی مربوط به آن، یکی از مسائل مورد علاقه بیضایی است. وی به‌طور کلی در آثارش، به زن و هویت زنانه توجه ویژه‌ای دارد؛ چنانکه در بسیاری از آثار خود که با مضامین مختلف نگاشته شده‌اند، زنان را محور اصلی قرار می‌دهد و داستان‌شان را روایت می‌کند.

بیضایی به چند شیوه، مسئله زن را در آثارش مطرح می‌سازد؛ گاه کاراکتر زن را از یک طبقه اجتماعی انتخاب می‌کند و در قالب داستان، مشکلات و نگاه مردسالارانه جامعه را به آن طبقه به تصویر می‌کشد. نمایشنامه «افرا» یا «روز می‌گذرد»، فیلمنامه‌های «مقصد» و «حقایق درباره لیلای دختر ادریس» و فیلم‌های «سگ‌کشی» و «باشو غریبه‌ای کوچک» از این زمره‌اند.

### الف) فیلمنامه مقصد

مضمون این فیلمنامه، نقد نگاه سنتی مردسالارانه است که وقعی به هویت زنانه نمی‌نهد. بیضایی در این فیلمنامه سرنوشت زنان طبقه محروم جامعه را نشان می‌دهد که همه‌جا بدون توجه به خواست آن‌ها، به جایشان تصمیم گرفته می‌شود و آن‌ها نیز چاره‌ای جز پذیرش و تسلیم ندارند. البته شخصیت انسی در برهه‌ای از زندگی‌اش بر ضد این سنت‌های بی منطق طغیان می‌کند و مسیرش را خود برمی‌گزیند. او آنچه برایش تعیین شده، پس می‌زند و خود انتخاب می‌کند که بقیه عمرش را چگونه بگذراند.

### ب) فیلمنامه پرده نئی؛ اقتباس از متون کهن:

یکی از شگردهای هنری که بهرام بیضایی از آن برای طرح موضوعات اجتماعی مورد نظرش سود می‌جوید، اقتباس از متون کهن و سنتی است. بیضایی بسیاری از داستان‌های کهن را به وام گرفته؛ اما در روایت آن‌ها خلاقیتی هنرمندانه به کار برده است؛ این خلاقیت، گاهی به شکل «بازآفرینی» و گاهی نیز به‌صورت «بازنویسی» این آثار نمود یافته است. البته او این داستان‌ها را طی بازآفرینی یا بازنویسی ساده به نگارش در نمی‌آورد؛ بلکه با شگردهای خاص خود، آن‌ها را برای صحنه نمایش آماده می‌کند. فیلمنامه‌های شب هزارویکم و پرده نئی از این دسته‌اند.

### ج) نمایشنامه ندبه

نمایشنامه «ندبه» از جمله نمایشنامه‌های بهرام بیضایی است که در آن، نقش زن به گونه‌ای آشکار، برجسته شده است. رویدادهای این نمایشنامه به سال‌های انقلاب مشروطه مربوط می‌شود و به گونه‌های تلخ و رقت‌انگیز، نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی ایران را در آن زمان نشان می‌دهد. در این اثر نیز به شیوه برخی دیگر از آثار بیضایی که در آن‌ها نقش زن برجسته شده است، زن با نظام مردسالار در تقابل قرار می‌گیرد و پس از گذراندن حوادثی تلخ و ناخوشایند و رسیدن به شناخت و آگاهی از موقعیتی که در آن گرفتار آمده است و همچنین در پرتو خودآگاهی، واکنش نشان می‌دهد. قهرمان اصلی این اثر زینب نام دارد. زمان ماجرا در سال‌های انقلاب مشروطه و مکان آن طرب‌خانه‌ای

سخنان درونی سرکوب شده و به زبان نیاورده و معضلات و پیچیدگی‌های ذهن و روان خود را بیان کند.

### سهراب‌کشی

کلام، متن و اجرای حماسی در سهراب‌کشی برگرفته از تعزیه است. تعزیه یکی از گونه‌های نمایش سنتی ایرانی است. بیضایی خود درباره این گونه نمایش می‌گوید: «تعزیه یک نمایش ایرانی برآمده از آیین‌های باروری باستان است که در لحظه‌ای از تاریخ با حفظ درون‌مایه باستانی‌اش، جامعه مذهبی پوشیده است» (قوکاسیان، ۱۳۷۱).

از دیگر نمادهای تعزیه در این اثر، می‌توان به صحنه‌پردازی آن اشاره کرد. وسایل صحنه، در تعزیه محدود و گاه در حداقل ممکن است. سیال بودن مکان نیز از ویژگی‌های دیگر این صحنه‌پردازی است که بالطبع تغییر زمانی را نیز موجب می‌شود.

### جامعه‌شناسی بهرام بیضایی

نمادگرایی او در آثاری چون ندبه یا چهارصندوق، روز این نکته در قالب نقدهایی تاریخی هستند که بنا به شخصیت‌پردازی‌های عمیق بیضایی، عینیت می‌یابند؛ برای مثال، رفتار انسانی تمام افراد مورد بحث بیضایی، پاسخی معنادار به وضعیت آن‌ها در جهان فرضی ساخته شده توسط او هستند و می‌خواهند تعادلی بین فاعل و فعل را در جهان پیرامونی، توضیح دهند.

او با در نظر گرفتن تقابل سنت و مدرنیته در روزگار معاصر، واقعیت‌های انسانی را به‌صورت رویه‌هایی دوسویه تصویر می‌کند که از طرفی به دنبال ساختار شکنی سنت‌های قدیمی و از طرفی در راستای ساختن ساختاری نوین هستند؛ اما همواره با رویکردی دیالکتیکی، روزنه‌ای را برای مقایسه، تحلیل و قضاوت بین دو گزینه باز می‌گذارد.

نکته دیگر این رویکرد، تقابل انتزاع با واقعیت است. بدین صورت که جهان خیالی هنرمند هر قدر هم که بخواهد با یکی از مکاتب عینی در رابطه باشد، آفریده آن گروه اجتماعی نیست. پس به‌ناچار باید به‌عنوان خالق مطرح شود و این خالقیت، بنای نقدی آینده‌محور را می‌سازد. دلیل اصلی راكد نماندن آثار استاد بیضایی در تاریخی خاص را هم شاید بشود به همین ادله، نسبت داد.

یکی از مهم‌ترین بازوهای بهرام بیضایی در ساخت طبقه‌های انتزاعی، استفاده از تیپ‌هایی شخصی است که ویژگی‌هایی عام را در خود دارند؛ برای مثال در چهارصندوق، او رنگ سبز شخصیت را به طبقه مذهبی می‌دهد که گرچه صددرصدی نیست؛ اما برای مثال ارجاعی به سادات دارد. پس می‌تواند در بازشناسی گروهی موفق عمل کند.

### روایتگری بهرام بیضایی

«تئاتر دیجیتال» عنوانی است که می‌توانیم به آثار نمایشی بیضایی بدهیم. این اصطلاح از طبقه‌بندی نمایشی افلاطون الهام گرفته شده‌است و توسط مارتین پوخنر (استاد ادبیات تطبیقی) مقرر شد. تئاتر

است که شماری از زنان ستم‌دیده در آن گردآمده‌اند و از طریق مردانی که به آن خانه رفت‌وآمد می‌کنند، با حوادث و تحولات بیرون آشنا می‌شوند. بیضایی در این اثر انقلاب مشروطه و استبداد را از دریچه و چشم‌اندازی تازه نگریسته است و کوشیده تا نقش و جایگاه زن را در کشاکش میان مشروطه و استبداد و در آستانه تحولات بنیادین اجتماع روشن سازد. همچنین اثر یادشده غیر از روایت ماجرای زینب، می‌تواند دلالتی ضمنی نیز بر استقلال و هویت ایران داشته باشد که در رقابت میان مستبدین و مشروطه‌خواهان و با بی‌کفایتی شاهان نالایق سلسله قاجاریه و نیز دست‌اندازی‌ها و دخالت‌های بیگانگان، دست‌خوش آسیب گردید و سرانجام به تجزیه بسیاری از شهرها و مناطق ایران به‌ویژه سرحدات شمالی آن انجامید. در نمایشنامه یاد شده نیز افزون بر پرداختن به زن و توصیف نابسامانی اوضاع او در یک دوره پر آشوب از تاریخ معاصر ایران، هم کتاب تاریخ دوران یادشده ورق خورده و هم به شکلی هنری، به مفهوم زن کارکردی فراتر از انتظار خواننده، بخشیده شده است. اگر در این اثر تنها به لایه ظاهری شخصیت زن توجه شده بود و نگاه نویسنده به وصف حال صرف زنان آن دوره محدود می‌گردید، یقیناً اثر از گیرایی و تأثیرگذاری تهی می‌شد (حسنعلی و همکارش، ۱۳۸۸).

### مسئله هویت

در آثار بیضایی، نوگرایی و توجه به مظاهر مثبت شیوه‌های زندگی نوین مانع حفظ و پاسداری از سنت‌های انسانی و مثبت گذشته که در حقیقت هویت جامعه و افراد آن را می‌سازد، نیست. از خلال روابط شخصیت‌های اصلی روایت‌ها با دیگران، تکیه فیلم‌ساز بر هویت ایرانی؛ یعنی گونه‌گونی در عین یگانگی آشکار می‌گردد. به عبارت دیگر، فیلم‌ساز همواره کوشیده است که عناصر مثبت میراث فرهنگی و هویت ایرانی را در فیلم‌هایش برجسته سازد و در مقابل برخی سنت‌های دیگر را که به نظر کهنه و فرسوده می‌رسند، مورد پرسش قرار می‌دهد (همایون پور، ۱۳۸۳).

### بررسی چند اثر از بیضایی

#### اژدهاک

برخوانی «اژدهاک» نوشته‌هایی است شانزده صفحه‌ای که از یازده بند کوتاه تشکیل شده است. این اثر اولین اقتباس بیضایی از شاهنامه محسوب می‌شود. در بخش اسامی شخصیت‌ها، تنها عبارت «برای یک برخوان» درج شده است؛ به این مفهوم که ما از نظر اجرایی با اثری تک‌شخصیتی روبه‌رو هستیم. راوی داستان، خود اژدهاک است که طی تک‌گویی نقالانه‌ای، حکایت زندگی‌اش را می‌گوید.

بیضایی در برخوانی «اژدهاک» دو تکنیک مونولوگ و نقالی را با هم ترکیب کرده و برخوانی به‌نوعی، تلفیقی از نمایش سنتی و نمایش مدرن است. اژدهاکی که بیضایی توصیف کرده، فردی تنها، مغموم، رنجور و دردمند است. تکنیک مونولوگ به‌نوعی بهترین شیوه برای اقتباس این اثر به‌شمار می‌آید؛ چراکه در این شیوه شخصیت می‌تواند



دایجیتیک به جنبه‌هایی از نمایش می‌پردازد که بیشتر از وجه تقلیدی و اجرایی تئاتر به شیوه‌های روایی متکی به قدرت واژگانی وابسته‌اند و طبیعی است که با مذاق بیضایی که دیالوگ‌نویس دقیقی در تئاتر است، کاملاً موافق دربیاید.

استاد بهرام بیضایی، همواره می‌کوشید تا با تکیه بر زبان شعری و غنای ادبیات کلاسیک ایران، نوعی از نظم حماسی را به نثر نمایشنامه وارد کند. و این مسئله محتوایی با تغییر فرمی که حاوی تزریق ساختار تعزیه و نقالی به تئاتر برای گرفتن کارکرد درام در صحنه بود، همراه می‌شد تا نوع جدیدی از تعامل فرم و محتوا را برای ما، یادآور شود.

بسیاری از نشانه‌های فرمی همچون واسطه‌گری محتوایی، حضور افراطی راوی، پرهیز از کنش‌های عیان و جلوگیری از ارائه کلام توسط شخصیت‌ها می‌توانند پل بیضایی برای تعویض بازنمایی (که اصل اصیل تئاتر است) با بازگویی او از داستان دلخواهش باشند.

بیضایی با استفاده از شخصیت‌هایی اضافی در نمایش؛ مانند گروه گر و قصه‌خوان، نمایش خود را در حد یک «ضد‌تئاتر» متفاوت می‌کند و درام او سعی دارد تا ذهن مخاطب را تا بیشترین حد ممکن از کالبد اجرای بازیگران که پوسته نمایش اوست، منحرف کند. و تمام تمرکز را به سمت وسوی کلمه‌ای که ادا می‌شود، ببرد. در واقع زبان و نوع بیان برای استاد بیضایی نسبت به بسیاری از کارگردانان تئاتر، اهمیت بیشتری داراست.

بسیاری از منتقدین، این دید بیضایی را با بزرگانی چون ساموئل بکت و برتولت برشت یکسان می‌دانستند؛ برای مثال، برشت معتقد بود که «یک بازیگر به هیچ عنوان نباید با نقشی که عهده‌دار است ترکیب شود؛ بلکه باید همچون شاهی که ماجرابی را برای پلیس توصیف می‌کند، باقی بماند!» ضدیت بیضایی با استانیسلاوسکی را به روشنی از مخالفت این نکته با متداکینینگ می‌یابیم.

### ادبیات بهرام بیضایی

شگردهای ادبی بهرام بیضایی به چهار دسته اصلی مختوم می‌شوند:

- ۱) «به کارگیری اسطوره‌ها»
- ۲) «اقتباس از متون کهن» که فضای بینامتنی اثر او را تشکیل می‌دهند.
- ۳) «تمثیلات و متل‌ها» که بلاغت استدلالی فلسفه متن او را بالا می‌برند.
- ۴) «استفاده از قابلیت‌های ادب عامه» که تمام نکات نثر او را با زبانی ساده‌تر از لایه‌های آن برای مخاطب، همه‌فهم می‌سازند.

نکته این جاست که ادبیات داستانی و ادبیات نمایشی در بسیاری از مؤلفه‌ها مانند پیرنگ، فضا، صحنه، تعلیق و... با هم تشابه دارند؛ اما معمولاً زبان بیان این دو با توجه به اضافه شدن تصویر عینی در نمایش (و متعلقات آن مانند زبان بدن و...) تفاوتی ساختاری را داراست.

استاد بیضایی با ذکر مسائلی که در بخش‌های قبلی برشمردیم، بیان تئاتری که در اصل، بیانی چندبعدی است را با اصرار خود تا حد تک‌بعدی بودن ادبیات داستانی پایین می‌آورد. تا بتواند با تمرکز بیشتر روی متن، حجم وسیع‌تری از آرایه‌ها و شعرگونگی را به نثرش وارد سازد.

پیرنگ‌شده این مسائل را می‌توانیم در «برخوانی»های بیضایی ببینیم. جایی که تک‌گویی در قامت یک نقال، بر گفت‌وگو که اساس نمایش کلاسیک (یونانی) است، پیروز می‌شود. پس طبیعتاً نثر هم باید بنا به ادبیات کلاسیک ایران تعریف شود. و به جای قرار گرفتن موضوع و پیرنگ در اولویت، درون‌مایه فلسفی بیضایی با تکیه بر بدایع زبانی بیشتر، پیروز مجادله باشد.

بهرام بیضایی با علاقه خاص به اسطوره‌گونی و بینامتنی بودن، بسیاری از آثارش را به بازآفرینی اختصاص می‌دهد. و البته در این بازآفرینی، بعضاً چهارچوب اثر یا شخصیت‌ها را به‌طور کل عوض می‌کند تا روابط علی و معلولی جدیدی را خلق کند.

اگر چهاردسته ابتدایی این متن را نظیرگونه با آثار بیضایی بسنجیم، در «مرگ یزدگرد» عمیقاً با به‌کارگیری اساطیر روبه‌رو هستیم. «فتح‌نامه کلات» اقتباسی از متون کهن را پیش می‌آورد. تمثیلات «ندبه» بی‌نظیرند. و در اثری مانند فیلم سینمایی «سگ‌کشی» هم به بطن ادبیات عامه می‌رویم.

### نتیجه‌گیری

قلم استاد بهرام بیضایی قلمی خستگی ناپذیر و پرتپش است. انبوه آثار نوشتاری بهرام بیضایی در سینما و تئاتر، نشان از قدرت بالای وی و نیز روحیه پرکار و پُر تلاش او دارد. آثار بهرام بیضایی به‌ویژه فیلمنامه‌ها و نمایشنامه‌ها همگی جزو آثار قوی و مهم تاریخ هنرهای نمایشی سینما و تئاتر در ایران است. علاوه بر نگارش بیش از یکصد فیلمنامه و نمایشنامه چاپ‌شده و طرح‌هایی برای ساخت فیلم یا اجرای تئاتر چاپ نشده، بهرام بیضایی در زمینه پژوهش‌های ادبی و هنری نیز آثار قابل توجه و با اهمیتی دارد. نکته قابل توجه اینکه باید بعد پژوهش و روحیه پژوهشگری را به دیگر ویژگی‌های بی‌بدیل بهرام بیضایی افزود. در واقع می‌توان این‌گونه گفت که بهرام بیضایی همواره در حال پژوهش و کشف مفاهیم کهن و معانی امروزی است. هریک از فیلمنامه‌ها و نمایشنامه‌های او یا آثار سینمایی و تئاتری‌اش، دربرگیرنده مفهومی ژرف و معنایی بدیع هستند و گویی او برای خلق هر اثر خود و یا با خلق هر اثر خود دست به اکتشافی تازه زده است که آن نیز دستاورد همان روحیه پژوهشگرانه او است.

## منابع

- بیضایی، بهرام. (۱۳۹۱)، *دیوان نمایش / و ۲*، چاپ چهارم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- (۱۳۹۱)، *سه برخوانی*، چاپ ششم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- (۱۳۹۲)، *پرده نئی*، چاپ ششم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- حسن لی، کاووس، حقیقی، شهین. (۱۳۸۸)، بررسی جایگاه و نقش زن در نمایشنامه «ندبه» اثر بهرام بیضایی؛ تحقیقات تعلیمی و نایی زبان و ادب فارسی، شماره ۲، صفحات ۷۵-۳۹.
- همایون پور. (۱۳۸۳)، تحلیل جامعه‌شناختی آثار سینمایی بهرام بیضایی، هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صفحات ۸۵-۹۴.

## Comparative analysis and investigation of the role of symbols and epic images in the plays of master Bahram Bayzaei

### Abstract

Professor Bahram Bayzaei is a famous teacher, author and director and owner of Iranian style, and his unparalleled and brilliant activities in the field of directing and editing cinematographic works, writing and staging plays in the theater arena, which are from the homeland despite many years of emigration. , continued in the list of outstanding and prestigious works in the field of artistic and dramatic literature. Master Baizai is undoubtedly one of the artists to whom the phrase "golden and artistic career" applies in the true sense of the word. Eight decades of the professor's precious life have passed, most of which were spent on research, research and writing, and his activities in the field of artistic research continue. A full and detailed introduction and review of all their artistic and literary activities is not included in this field. What I am trying to address in this article is a brief look at the key and multi-word plays in their special features and their scrutinizing look at the categories of art, history and religion. The themes and contents of master Bahram Bizaei are characterized by diversity. In the creation of their stories and writings, they offer various techniques and literary analysis that in the above writing, while examining, analyzing and classifying stories, they have addressed these elements and techniques in the way of telling stories and creating different characters. . will be The research method in this article is descriptive-analytical, in such a way that at first the topic or topic of reference and presentation of Professor Baizai in the play is stated and then brief reviews and analyzes are written under each of the works. The topics discussed by Professor Bahram Baizai generally include national (patriotic), historical and religious topics. In most of his works, he brings to the fore pristine and unique spaces, he also showed more luck in creating, presenting and displaying social issues and created original and significant works in this field. The professor makes full use of different artistic techniques such as "storytelling and creation of myths", "adaptation from the index of texts" and "pictures and symbols" in order to project social themes.

Keywords: Bahram Beizaei, author, art, director, story writing, drama